

دوشنبه 1 خرداد 1396

[printpdf](#)  
[print](#)

روایت سردار درجه‌ای از عملیات بیت‌المقدس؛

## عراقی‌ها از خرمشهر مانند یک دژ عظیم نظامی حفاظت می‌کردند



یکی از فرماندهان عملیات بیت‌المقدس گفت: عراقی‌ها خرمشهر را مانند یک دژ عظیم نظامی حفاظت می‌کردند، آن هم با کلی نیرو و ادوات نظامی. هیچ راهی برای نفوذ به شهر وجود نداشت و نابرابری عجیب و آشکاری بود.

آزاده سرافراز سردار سید هاشم درجه‌ای از فرماندهان خراسانی دفاع مقدس است، که در فروردین‌ماه 1331 در خانواده‌ای متدین و انقلابی در مشهد به دنیا آمد. با شروع جنگ تحمیلی از مهرماه سال 1359 به کردستان و سپس به جنوب رفت. وی که در عملیات آزادسازی خرمشهر حضور داشت، در سال 1369 نشان فتح را از دستان فرمانده معظم کل قوا دریافت کرد.

این فرمانده دلاور خراسانی در جریان عملیات رمضان به اسارت نیروهای بعثی در آمد.

سردار درجه‌ای قبل از اسارت مسئولیت فرماندهی گروهان و فرمانده گردان تا قبل از عملیات بیت‌المقدس و سپس جانشینی تیپ 18 جوادالائم (ع) را بر عهده داشت و بعد از اسارت هم مشاور و نماینده فرمانده وقت سپاه سردار سرلشکر پاسدار محسن رضایی، مسئول مراجعات مردمی فرماندهی نیروی مقاومت بسیج و در زمان سردار حجازی معاونت مردم‌پاری قرارگاه حمزه سیدالشهدا (ع) در غرب را در کارنامه خود دارد.

به مناسبت فرارسیدن سوم خرداد سالروز فتح خرمشهر، به بازخوانی عملیات بیت‌المقدس که توسط سردار درجه‌ای در سال 1386 در اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس خراسان رضوی به منظور ثبت و ضبط تاریخ شفاهی انجام گرفته است اشاره خواهیم داشت.

«عراقی‌ها خرمشهر را مانند یک دژ عظیم نظامی حفاظت می‌کردند. آن هم با کلی نیرو و ادوات نظامی، هیچ راهی برای نفوذ به شهر وجود نداشت. 35 روز تمام مردم از شهرشان دفاع کرده بودند. نابرابری عجیب و آشکاری بود.

منطقه عملیاتی بیت‌المقدس (جنوب غربی اهواز و رودخانه کارون) از چهار طرف با چهار مانع عظیم مواجه بود؛ از طرف شمال رودخانه کرخه، از جنوب رودخانه اروند، از شرق رود کارون و از غرب به هورالهویزه و شط العرب منتهی می‌شد. منطقه‌ای که برای هر دو طرف سرزمینی بسیار استراتژیک و با ارزش بود. این منطقه آخرین منطقه اشغالی جنوب کشور بود که هنوز دست دشمن بود. ما چاره‌ای جز این نداشتیم که برای جلوگیری از افزایش آمادگی دشمن، طرح عملیات بیت‌المقدس را بریزیم.

همان زمان عراق با لشکر 6 زرهی خود از جنوب رودخانه کرخه تا هویزه، با لشکر 5 مکانیزه از غرب اهواز تا روستای عبود و لشکر 11 پیاده از سید عبود تا خرمشهر را در دست داشت. لشکر 3 زرهی دشمن در شمال خرمشهر و تیپ 15 زرهی اش هم در شرق بصره مستقر بود. عراق، 36 هزار نیروی پیاده به همراه 41 گردان تانک (1435 دستگاه تانک) و 38 گردان مکانیزه (133 دستگاه نفربر) و 53 قبضه توپخانه در منطقه داشت.

در این عملیات هماهنگی بسیار بالای قرارگاه‌های فرعی نصر، فتح و قدس که زیر نظر قرارگاه مشترک کربلا بودند، بی‌نظیر بود، چرا که هر کدام از این قرارگاه‌ها متشکل از سه تیپ نیروهای ارتشی و دو تیپ از نیروهای سپاهی بود. این تلفیق و هماهنگی تا آن زمان بی‌نظیر بود. این سه قرارگاه در سه محور، اجرای عملیات بیت‌المقدس را بر عهده داشتند و توسط نیروی هوایی ارتش و جهاد سازندگی پشتیبانی می‌شدند.

قرارگاه قدس در محور شمالی وظیفه داشت به خاکریزهای عراقی‌ها حمله کرده و آنها را در منطقه جنوب کرخه و سر پل درگیر نماید تا نیروهای قرارگاه‌های نصر و فتح به سمت محور میانی و جنوبی پیشروی کرده و خرمشهر را فتح کنند. مقدمات این عملیات در کمتر از یک ماه انجام شد. ساعت 30 دقیقه بامداد صبح دوم اردیبهشت سال 1361 عملیات با رمز یا علی بن ابی‌طالب (ع) شروع و در چهار مرحله انجام شد.

در فتح خرمشهر من مسئول عملیات بودم. به این نتیجه رسیدیم که کار باید در مراحل مختلفی تقسیم شود. از طرفی عملیات‌های ایدایی انجام می‌شد تا دشمن بترسد و از پیشروی خودداری کند. از طرف دیگر عملیات اصلی مرحله به مرحله انجام می‌شد. منطقه عملیاتی شبیه به یکی جزیره بود و دورتا دور خرمشهر بین ایرانیها و عراقی‌ها آب بود. این مسئله باعث کندي حرکت ادوات نظامی و نیروهای دو طرف بود. کمترین منطقه‌ای زیر آب بود. قسمتی هم در رودخانه کرخه بود که 30 متر عمق داشت و سه متر عرض. بقیه را هم نیروهای خودی با آب انداختن با عرض یک کیلومتر در آن قسمت، روند حرکت عراقی‌ها را گند کردند، اما آنها کاملاً مجهز به وسایل مهندسی بودند و به راحتی بر این مشکل فائق آمدند و آب منطقه را کشیدند.

موانع پیش روی ما به جز آب، مین‌های تله‌ای بود که به محض انفجار به چهار تکه تقسیم می‌شد و صدمه بسیار زیادی وارد می‌کرد. بعد از عبور از آب و مین‌ها، مانع بعدی سنگرها و استحکامات دشمن بود. عراقی‌ها از کانال‌کشی استفاده کرده بودند؛ بدین شکل که از طریق کانال‌هایی که عمقی حداقل یک متری داشت، بین سنگرهایشان جابه‌جا می‌شدند و از سنگر بیرون نمی‌آمدند. به همین دلیل با وجود حملات ما، صدمه چندان نمی‌دیدند.

در آن یک ماه هر شب عملیات داشتیم و هر شب شهید و مجروح می‌دادیم. هر بار از سمت دیگری حمله می‌کردیم، اما بی‌فایده بود.

یکی از دلایل نابرابری ما و بعضی‌ها هواپیماهای پیشرفته شناسایی آنها با تعداد زیادی از نیروهای متخصص و زنده بود.

نیروهای متخصص آنها با وجود تمهیدات خاص ما، جابه‌جایی و واکنش‌های ما را می‌دیدند. آنها این تحرکات را ارزیابی می‌کردند و به سرعت واکنش نشان می‌دادند. عراقی‌ها قسمتی وسیعی از اطراف خرمشهر را به ارتفاع 2 تا 3 متر و به طول بیشتر از 10 متر خاک ریخته بودند و در فواصل کوتاهی تیرآهن و چوب‌های بلندی علم کرده بودند تا در صورت فرود چترپازان ایرانی در آنها گیر کنند و تکه تکه شوند.

بالاخره سوم خرداد سال 1361 فرا رسید و خرمشهر توسط رزمندگان غیور ایران آزاد گردید. شور و حال عجیبی در بین نیروها بود. عده‌ای می‌گفتند صدام که می‌گفت اگر ایران خرمشهر را پس گرفت، کلید بصره را می‌دهم. حالا کو؟ کجاست بیاید و کلید بصره را بدهد؟

جاده که باز شد به منطقه رفتیم. عراقی‌ها عقب‌نشینی کرده و به خودشان هم رحم نکرده بودند. بدون اینکه به نیروهایشان اطلاع دهند، بعد از ارون رود به سمت خودشان حدود 50 متر مین کاشته بودند. این باعث شد نیروهایی که در حال عقب‌نشینی بودند، مجبور شدند همه به سمت ایران برگردند و تسلیم شوند. حتی تعدادی از فرماندهان بعضی از این مین‌ها مطلع نبودند. آن روزها ما 19 هزار نفر اسیر عراقی گرفتیم و 16 هزار و 500 نفر از نیروهایشان کشته و یا زخمی شدند.

5 هزار و 500 تانک و نفربر و تعداد زیادی خودروی نظامی و دهها قبضه توپ سنگین و سبک به اضافه دهها انبار مهمات، 53 فروند هواپیما و سه بالگرد منهدم شد. 105 تانک و نفربر دیگر به اضافه 180 قبضه توپ 130 میلی متری و 30 دستگاه توپ 106 میلی متری به غنیمت گرفته شد.

نیروهای عراقی آن قدر زیاد بودند که نمی‌دانستیم چطور منتقل‌شان کنیم. حتی مانده بودیم از کجا وسیله‌ای برای انتقال اسلحه‌هایشان بیاوریم.

بعد از فتح خرمشهر، همه فرماندهان دور هم جمع شده بودیم. مات و مبهوت بودیم و هر کس حرفی می‌زد. با توجه به شناختی که از موقعیت خودمان و نیروهای عراقی داشتیم، می‌دانستیم خرمشهر فتح شدنی نبود؛ حداقل با تجهیزات نظامی و تعداد نیرویی که ما داشتیم. آخر سر هم همه متفق‌القول حرف امام (ره) را زدیم؛ و «خرمشهر را آزاد کرد.»

این تنها چیزی بود که به ذهن‌مان می‌رسید. این عملیات و فتح که باعث آزادسازی خرمشهر، هویزه، جاده اهواز - خرمشهر،

جاده سوسنگرد، هویزه و... شد، بازتاب گسترده و شگفت‌آوری در جهان داشت. همه از ضربه‌ای که به صدام وارد شده بود، متحیر بودند؛ بخصوص که حملات ما زمینی بود و از امکانات زیادی برخوردار نبودیم.

### پره‌ای پرواز

شناسایی‌های بیت‌المقدس فاصله زمانی کمی داشت. شناسایی زمان می‌برد، بنابراین چندین روز متوالی باید کار می‌شد و بالطبع محورهای شناسایی هم تهدید می‌شد.

چون دشمن کاملاً رخنه کرده و تیربار و نفربر داشت و بسیار قوی بود، پس باز هم می‌گویم؛ تعهد و توکل بچه‌ها باعث پیروزی‌شان شد و بس.

عراقی‌ها امکانات مهندسی‌شان خیلی قوی بود. یک کیلومتر بین ما و عراقی‌ها آب بود. این یک مانع مصنوعی بود. چزابه در دست ما بود و عملیات ایزدایی می‌کردیم. در طول عملیات بیت‌المقدس برای اینکه دشمن را در اینجا زمین‌گیر کنیم، باید پی در پی عملیات ایزدایی تکرار می‌شد تا دشمن احساس آرامش نکند. ما یک گردان را بردیم عقب، بازسازی کردیم و برگرداندیم. بعد گردان دیگر را بردیم. همه می‌خواستند بروند توی خط. آنها کسانی بودند که نه حقوق می‌گرفتند و نه عضو سازمانی بودند؛ آنها مشتاق پرواز بودند...

### عامل اصلی فتح خرمشهر

انگیزه‌های الهی به عنوان عوامل معنوی در پیروزی عملیات بیت‌المقدس خیلی مؤثر بود. البته سازمان‌دهی از نظر ترکیب و تکنیک نظامی هم خیلی خوب بود. آموزش نظامی نیروها در حد پایینی بود و از نظر نظامی بسیار کوتاه و نسبت به آموزش‌های نظامی مدون تمام دنیا، خیلی فشرده بود، اما تا دلتان بخواهد فداکاری، ایثار، شهادت‌طلبی و ایمان پررنگ جلوه می‌کرد. چون بین عملیات فتح‌المبین و بیت‌المقدس یک ماه فاصله بود، بالطبع باید طراحی عملیات درست و دقیق انجام می‌شد. در اینجا نقش اطلاعات عملیات خیلی مؤثر بود.

### خرمشهر را خدا آزاد کرد

یک جمله هست که در کربلا به امام حسین (ع) گفتند «یا اباعبدا! اگر صد هزار بار جان داشته باشیم، دوست داریم در راه تو فدا کنیم»، در عملیات بیت‌المقدس تصمیم‌گیری‌ها در فرارگاه‌های کربلا، قدس و نصر و... تجسم همین جمله بود که دوست داریم و می‌خواهیم هزار بار زنده شویم و در راه تو کشته شویم. بسیجی‌های کم سن و سالی که شهید شدند مصداق همین سخن بودند.

دشمن خودش تسلیم شد، با وحشتی که خدا در دل آنها انداخته بود. فتح خرمشهر مصداق آیه شریفه «و الذین جاهدوا فینا لنهذبهم سبلنا و ان لنا للمحسنین» بود. و اینکه حضرت امام (ره) فرمودند «خرمشهر را خدا آزاد کرد».

<http://khadem.koolebar.ir/node/1084>